

تروریسم چیست؟

ترجمه از انگلیسی: بارزان غفوری*

مقدمه

اصولاً هر حکومت، سازمان و یا حزبی برای دستیابی به مقاصد خود از طرق مختلف اقدام می‌کند در بعضی موارد آنها مجبورند از کانالهای غیر متعارف جهت نیل به اهداف حیاتی مورد نظر خود اقدام نمایند. امروزه یکی از مهمترین این کانالها که در اکثر نقاط جهان به طور وسیعی بکار رفته و به طرق مختلفی اعمال می‌شود؛ ترور و اعمال تروریستی است. مطلب پیش رو برگردانی در رابطه با همین مقوله می باشد.

تروریسم چیست؟

۱- تعریف ترور

ترور به عنوان یک مفهوم^۱ به معنی ترساندن است و این ترساندن شدت و توانایی ایجاد احساس ترس ناگهانی در افراد به صورت رفتار خشونت آمیز است. اگر چه اصطلاح ترور اغلب در مورد عملی که امروزه مورد سؤال بوده بکار می رود اما هیچ تعریف دیگری به صورت متداول که مورد پذیرش و شناخته شده باشد برای آن وجود ندارد. با وجود تعریفهای زیادی که ترور را بیان می‌کنند در عرصه بین المللی هیچ تعریفی به صورت رایج تشخیص داده نشده است به این دلیل که شخص تروریست از یک طرف تروریست فرض می شود از طرف دیگر جنگجوی آزادی است.

ترور در مقام تعریف^۲ عملی تهدید کننده است که مردم را وادار به قبول مقاصد خاصی می

* کاردانی زبان انگلیسی

1 -concept

2 -defention

کند و رفتاری با ابزار ترس است.

حال چرا بعضی افراد ملزم به پذیرش مرگی سخت و وحشتناک و متحمل انواع زیادی مشقات و بدیها در راه اهدافشان می شوند؟ اصلی ترین دلیل که بسیار روی آن تکیه می شود وجود قدرتی نابرابر بین آنها و دشمنانشان که با آنها در حال جنگ و نزاع هستند می باشد. بنابراین عدم امکان تغییر سیستم به عنوان هدف از طرق نرمال و یا مسالمت آمیز باعث می شود آنها جنگ نظامی را به عنوان تنها راه حل در نظر بگیرند.

مهمترین مشخصه ترور انتخاب اهداف به صورت اتفاقی^۱ است و این مشخصه اتفاقی بودن باعث ایجاد ترسی می شود که آنها سعی می کنند در برخوردهای بزرگتر بروی افراد به آن برسند. اگر هیچ احتیاطی برای مقابله با چنین حوادثی تدارک ندیده شده باشد کسی که به عنوان قربانی انتخاب شده است بی دفاع خواهد بود. این قربانی بالقوه هیچ چیز برای دفاع از خود ندارد چون زمان و مکان قتل مطابق با قواعد و اهداف تروریست می باشد. اینها نشانگر غیر قابل پیش بینی بودن عملیات^۲ تروریستی است. از دیگر مشخصه های این عملیات بی رحمی، ویرانگری و غیر اخلاقی بودن آنها است. تروریسم رفتار نامشروع، سازمان یافته و سیستماتیک برطبق فعالیتهای تروریستی است که پیوسته به هدف تغییر سیستمهای کنونی صورت می پذیرد. ترور اهداف سیاسی مورد نظر خود را توصیه می کند و این در صورتی است که ترور ترساندن و عملی ترسناک است که مستلزم خشونت^۳ است.

بر خلاف جوامع صلحجو که بوسیله اقتناع و رفتار دمکراتیک به اهداف خود می رسند، تروریسم برای نیل به اهداف خود که از جنایات و تبهکاریهای سیاسی سنتی متفاوت است از اعمالی مانند قتل، ربودن^۴، ترساندن^۵ و تخریب^۶ به صورت نظامند، سازمان یافته و سیستماتیک استفاده می کند. تروریسم جهت نیل به هدف احترامی برای اقتدار و قوانین دولت قائل نیست و همچنین از خشونت در برابر جامعه برای رهایی آنها از قدرتهای دمکراتیک و مخفی کردن ضعفهای خود کمک می گیرد. آنها رویه پیشرفته ای برای تجهیز نیروهای ویرانگر به کمک بعضی

1 -randomly

2 -operations

3 violence

4 -kidnapping

5 -intimidating

6 destruction

نیروهای متخاصم خارجی فراهم می آورند، به نظر می رسد تروریست‌ها از اعمال تاریخی ساختگی برای بدست آوردن حمایت جامعه و طغیان^۱ آنها که نمی توانند با اصول و نیروهای خود بدین حمایت دست یابند استفاده نمایند. آنها با خوار شمردن انسانیت و زندگی انسانی برای رسیدن به اهداف سیاسی در صدد نابودی اصول اخلاقی و قربانی کردن انسانهای بی گناه هستند.

تعریف ترور بر طبق قوانین جلوگیری از ترور از این قرار است: "ترور هر نوع فعالیتی است که بوسیله عضو یا اعضای یک سازمان به دنبال تغییر ممیزهای جمهوری (دولت) و سیستم سیاسی قضایی، اجتماعی، سکولار و اقتصادی که از طریق قرارداد^۲ مقرر شده است همچنین تخریب تمامیت ارضی^۳ دولت، حکومت و مردم آن، تضعیف یا تخریب و یا یورش به اقتدار دولت، تخریب حقوق و آزادی، به مخاطره انداختن^۴ موجودیت دولت و جامعه، از بین بردن نظم صلح و امنیت جامعه می باشد." بطوری که در تعریف به نظر می رسد تروریسم نسبتاً بیشتر از ترور مورد تاکید قرار گرفته است زیرا وقتی که مفهوم تروریسم مورد بررسی قرار می گیرد به عملی گفته می شود که هدف آن مستلزم تقریب دو حقیقت خشونت و ترس در برابر صلح و ساختار، می باشد. از نظر یک حقوقدان ترور کاربرد خشونت در راه غیر قانونی و عملی طراحی شده برای تحریک^۵ طبقات اجتماعی با دستکاری^۶ تفاوت‌های مذهبی نژادی ملی و اجتماعی آنها که باعث تنش و نزاع می شود، می باشد.

طبق فرهنگ و دایره المعارف بزرگ لاروس تعریف ترور عبارت است: "استفاده سیستماتیک از خشونت و ترس برای ایجاد قدرت و توانایی پذیرفته شده بوسیله جبر و زور می باشد و تعریف تروریسم به مجموع کل فعالیتهای خشونت آمیز و اقدامات سیاسی که به طرف مردم تملکات و تشکلات آنها سوق داده می شود و بر اساس خشونت صورت می پذیرد اطلاق می شود." بر طبق نظر کلس و انسال^۷ نیروهایی که می خواهند بر قدرت غلبه کنند از فعالیتهای خشن که بعضی از اقشار و گروههای مردم را تخریب می کند سود می جویند و این مردم وحشت زده را وادار

1 -rebellion

2 consitiution

3 territorial integrity

4 -jeopardising

5 -manipulating

6 -manipulating

7 -Keles and Unsal

به قبول باورهای مطرود می‌نمایند.

بر حسب نظر سازمانهای چپگرا^۱ ترور در مقام عمل نوعی نزاع دو طرفه بین نیروهای نظامی قانونی و غیر قانونی است که هدف اصلی آن تفریق نیروهای نظامی دشمن بوده و آدمکشی و قتل نیز در آن بکار می‌رود.

در انگلیس طبق قانون مبارزه با تروریسم تعریف تروریسم از این قرار است: "تروریسم استفاده از خشونت در مقابل نهادهای سیاسی و یا استفاده از خشونت به منظور ترساندن و سرکوب جهت جنگیدن با بعضی از اعضای جامعه می‌باشد." در فرانسه هم طبق قانون، ترور به هر فعالیت فردی و یا جمعی که در صلح و امنیت جامعه اختلال ایجاد کند، گفته می‌شود.

با وجود تعاریف زیاد در مورد ترور از منظرهای مختلف، هیچ یک از آنها به تنهایی نمی‌تواند بیانگر و معرف واقعی این موضوع باشد به این خاطر علیرغم وجود شباهتهای زیاد در ساختار سازمانهای تروریستی اختصاصاً بیشتر آنها از نظر اهداف متفاوت می‌باشند.

بعضی تروریستها می‌گویند برای استقلال ملی^۲ می‌جنگند، بعضی برای انتقام^۳ از حوادثی که در گذشته روی داده اند و بالاخره گروهی هم می‌گویند قصد ایجاد ساختارهای مذهبی، نژادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مسلطی را دارند. علاوه بر این یک تفاوت اساسی کارکردی لاینحل در فعالیتهای تروریستی وجود دارد به این صورت که شخص تروریست از نظر بعضی تروریست و از نظر دیگران یک جنگجوی استقلال طلب فرض می‌شود. در نتیجه شخصی که در یک طرف مرتکب جنایات تهاجم آمیز می‌شود ممکن است به عنوان یک خائن فرض شود، در حالی که همان شخص به عنوان قهرمان به علت همان فعالیتهای طرف دیگر مرتز جنگجویی استقلال طلب است.

روی هم رفته، تروری که تعریفی کامل مطابق با اصول بین الملل نداشته باشد عبارتست از: "فعالیتی نمادین که نیازمند کاربرد ترس و تهدید برای اهدافی که باعث برخورد و تنش است و بوسیله رفتارهای غیر طبیعی که متضمن توقعات سیاسی است صورت می‌گیرد."

1 left organization

2 -national independence

3 -avenge

۲- دلایل تروریسم

در پس فعالیت‌های تروریستی و بر حسب شرایطی که ترور در آن روی می‌دهد دلایلی وجود دارد که در هریک از آن عملیات‌ها یک یا ترکیبی از این دلایل دخیل هستند. به نظر می‌رسد چهار دلیل به عنوان دلایل اصلی به جهت گستردگی و دایره شمول آنها مهمتر باشند و آنها عبارتند از دلایل روانشناسی، اقتصادی، سیستم‌های آموزشی و در نهایت دلایل فرهنگی اجتماعی که هر یک از آنها در اینجا مورد مذاقه قرار می‌گیرند. (م)

الف) دلایل روانشناسی

افرادی که توانایی‌ها و ظرفیتهای شخصی ناکافی دارند نقش، جایگاه و موقعیتهایی را که در آن قرار دارند نمی‌پسندند. آنها فکر می‌کنند که از نظر جامعه قابل احترام، مورد علاقه و دوست داشتنی نیستند. برای این منظور آنها به خشونت و رفتارها و فعالیت‌های تهاجمی روی می‌آورند تا احترام و علاقه دیگران را جلب و در همان حال بدین طریق ابراز وجود کرده باشند.

افرادی که نمی‌توانند روشهای درست، خوب، مثبت، خلاق، مفید و شایسته را برای ابراز وجود پیدا کنند، سعی می‌کنند نگرانی، کشمکش، ترس و آرزوهای خود را از طریق اتخاذ فعالیت‌های خشن و تهاجمی بدون توجه به این که سودمند باشند یا نه، تخلیه کنند.

مردمی که همواره احساس می‌کنند در اقلیت هستند و به شیوه‌های متفاوت با آنها رفتار می‌شود و مانند دیگران به حساب نمی‌آیند. این نوع مردم فکر می‌کنند که چون جامعه، دولتمردان، نیروهای امنیتی نسبت به آنها نا عادل و متخاصم هستند لذا دیگر آنها قابل اتکا نمی‌باشند. آنها دیدگاه‌های تهاجمی، مشکل و دشوار را در مقابل ارزشهای جامعه اتخاذ می‌نمایند.

آنها چنین دیدگاه‌هایی را به عنوان نمادهای احترام می‌پذیرند. مبارزین جوانی که برای سازمانهای تروریستی مذهبی، جنایی، قومی می‌جنگند گروه‌هایی از مردم و محیط خود را برای کسب افتخار، برتری و عزت خرده فرهنگ خود تخریب می‌کنند. جوانان ۱۵ تا ۲۰ ساله اهداف اصلی سازمانهای تروریستی می‌باشند.

دورانی که بلوغ نامیده می‌شود، دوران گذر از مرحله بچگی به جوانی است. یکی از موضوعات در مورد جوانی تقویت احساس هویت می‌باشد و احساس هویت به مفهوم همگرایی گذشته فرد و احساس جزئی از جامعه بودن است. اساسی‌ترین سؤالات مشاهده شده در این دوره به این صورت هستند "نسبت من و جهان چگونه است؟ من کیستم؟ من باید بخشی از کجا باشم؟"

از مشخصه های بارز این دوره توانایی تغییر و احساسات متضاد می باشد. بیشترین تعداد نافرمانیها مربوط به این دوره می باشند. آنها می توانند خود را فدای اهداف سیاسی و اجتماعی کنند. آنها به آسانی می توانند کنترل خود را از دست دهند و به جای صحبت کردن فریاد زنند. آنها جنگ را به جای اطاعت ترجیح می دهند.

جدا از موارد بلوغ، کسانی که اختلال مغزی دارند نیز در ترور مورد استفاده قرار می گیرند این افراد به سلاحهای بی رحم و کنشگران مخرب تبدیل می شوند. در مواردی دیگر مؤثرترین و تاثیر گذارترین تروریستها کسانی هستند که بیماران روانی یا بیماران اجتماعی نامیده می شوند. بیماران روانی سرکش ضد اجتماعی که هیچگونه نظم و انضباطی نمی شناسند و همیشه در مقابل کسانی که مسیر درست را به آنها نشان می دهند لجاجت می ورزند.

بیماران روانی به خاطر لذت مرتکب جنایت می شوند. آنها متعصب، بی رحم و شرور بوده و هیچگونه احساس شرمی ندارند و هر امر مضرری را برای آن چه خود می خواهند انجام می دهند. بیمار روانی کسی است که در شخصیت و اخلاقیات او گسست وجود دارد و اگر چه او هیچ نقص هوشی ندارد اما در زندگی اجتماعی از قواعد و آداب جامعه اطاعت نمی کند. مضافاً آنها غالباً تمایل دارند به مصرف داروها وابستگی داشته باشند.

در همین ارتباط یکی از روانشناسان اظهار می دارد: "بخش بزرگی از جنایتکاران سیاسی افراد روانی و دیوانه می باشند". آنها احساس مسئولیت خود را از دست داده اند و این خصیصه آنها را مجبور می کند آنچه احساس می کنند انجام دهند. آنها به شدت و به طور یقین به باورهای شخصیتی در برتری خود تکیه می کنند. کسانی که از قانون و سیستم ناراضی هستند با سوء نیت از طریق تقابل بیماران روانی با جامعه و دولت سهم خواهی می کنند.

به طور خلاصه می توان گفت بعضی افراد که از لحاظ روحی روانی و جسمی بیمار هستند خشونت را برای مبارزه با زندگی بکار می برند.

ب) دلایل اقتصادی

مشکلات اقتصادی مردم را نه تنها از لحاظ مادی بلکه از لحاظ روانی هم تحت تاثیر قرار می دهد. این علت تقسیم نامتعادل درآمد در جامعه یکی از مهمترین عناصری است که سازمانهای تروریستی آن را دستاویز قرار داده و از آن بهره برداری تبلیغاتی می کنند. در نتیجه افراد بی سواد و غافل بیشتر در معرض نفوذ این سازمانها قرار می گیرند.

بر حسب تحقیقات صورت گرفته در مورد تروریسم مبارزین جوانی که در عملیات ترور نقش بر عهده می گیرند اغلب بی سواد و اغفال شده اند. تحقیق در مورد وضعیت شخصی (اقتصادی) یک تروریست بیان کننده دلایل زیر در جذب شدن این شخص به سازمانهای تروریستی است:

- ۱) فرزند خانواده‌های کارگری که به سختی امرار معاش می نمایند.
- ۲) سکونت در منطقه ای که نسبت به سایر مناطق کمتر توسعه یافته است.
- ۳) زندگی مجزا از خانواده و عدم آموزش در مورد مذهب و ملیت در دوران طفولیت.
- ۴) عدم قادر بودن به حل مشکلات دوران جوانی که ناشی از تعلق به خانواده فقیر در زمان بچگی است.

۵) به شدت عاطفی بودن و داشتن شخصیتی که برای دوستی زیادی قابل باشد.

۶) اکثر جوانان در سنین ۱۶_۱۷ در اثر بلوغ جنسی احساس سرگردانی می کنند.

او در ادامه می افزاید که در دوران بچگی آن چه می خواستم نمی توانستم به آن برسم. در حالی که دیگر بچه ها در تابستان سرگرمیهای زیادی داشتند، من و خانواده ام به دیگر مناطق برای کار در مزارع پنبه آن هم در گرمای سوزان تابستان می رفتیم. من در حالی که مشغول درس خواندن بودم می بایستی کار هم می کردم. این شرایط من را وادار به علاقه مند شدن به نزدیکی با سازمانهای تروریستی نمود

دیگر اعضایی که به این سازمان می پیوستند دلایل عمده‌شان شرایط سخت زندگی بود نه باورهای ایدئولوژیک. همچنین او می گوید که من به خاطر مشکلات اقتصادی از خانواده ام دور بودم و هیچ حرفه ای هم نمی دانستم به این خاطر من شروع به کار در ساختمان نمودم اما با مقدار پولی که بدست می آوردم گذران زندگی غیر ممکن می نمود. نخست مجبور بودم در خانه خواهرم اقامت کنم اما بعد از مدتی احساس کردم که سربار آنها هستم و تصمیم گرفتم که در ساختمانهای در حال احداث زندگی کنم. دچار افسردگی و فقر شده بودم. شرایط زندگی من را از مردم و زندگی متنفر کرده بود. از مردم گریزان بودم. بنابراین فکر پیوستن به یک سازمان تروریستی به ذهنم خطور کرد. حال این ملحق شدن به هر سازمانی باشد برایم مهم نبود چون تنها پیوستن به چنین سازمانی می توانست من را از وضعیتی که در آن قرار داشتم نجات دهد.

در مناطق توسعه نیافته در همه خانواده‌ها فرزندان بیکار زیادی وجود دارند اگر دو یا سه دختر یا پسر از هر خانواده جذب این سازمانها شوند جمعیت آنها مشتمل بر هزاران نفر خواهد شد. این

برای آنها کار سختی نخواهد بود، به هر حال، خانواده‌های آنها قادر به تغذیه این بچه‌ها نیستند. خیلی از خانواده‌ها فرزندان خود را داوطلبانه به این سازمانها تحویل می‌دهند و جوانان با خوشحالی نزد چنین سازمانهایی می‌روند. آنها از زندگی کردن سخت با خانواده‌هایشان مضطرب و ناراحت هستند در نتیجه می‌توان به آسانی آنها را جذب سازمانهای تروریستی نمود. و اگر در مراحل نخست کمی محیط برای آنها جذاب باشد آنها به مراتب از زندگی در آنجا خوشحال خواهند بود.

با وجود نتایج مثبت بسیار، پیشرفتهای سریع در زندگی اقتصادی اجتماعی می‌تواند منجر به ناهماهنگی و تاثیرات ناپایداری بر گروهی از جوانان در این دوره حساس باشد. فقدان یا ناکافی بودن نهادهای اصولی مرتبط با این مشکلات متأسفانه در میان جوانان سبکهای ناهماهنگی را بیشتر می‌کند. اگر توسعه و پیشرفت اقتصادی کلیت جامع را در برنگیرد، دستگاه حکومت قطعاً دچار مشکلاتی از این قبیل خواهد شد.

۳) دلایل فرهنگی - اجتماعی^۱

تغییرات فرهنگی نسبتاً باعث تغییرات در زندگی اجتماعی می‌شود به عبارتی دیگر زندگی اجتماعی نسبت به تغییرات فرهنگی تغییر می‌کند. با این وجود، اگر این تغییرات در ساختار اجتماعی خیلی سریع باشد و یا در قسمت‌های خاصی از جامعه روی دهد باعث توسعه نیافتگی و عقب‌ماندگی دیگر قسمت‌های جامعه می‌شود در نتیجه‌ی این تغییر سریع، کشمکش و برخورد در میان مردم جامعه بدیهی شده و همه مردم نمی‌توانند به روشی یکسان فکر کنند. هنوز، باید موافقت عمومی بروی بعضی موضوعات به عنوان معیار بهتر بودن یک جامعه وجود داشته باشد.

عناصر فرهنگ مانند تاریخ، زبان، آداب و رسوم، سنت‌ها و ادبیات بر حفظ هویت یک ملت دلالت می‌کنند. گسیختگی در رسیدگی و اصلاح این عناصر منجر به پیامدهای نابهنجار می‌شود. این نابهنجاری‌ها و یا بی‌قاعدگی‌ها به علت آنارشی^۲، خشونت و عدم اتحاد و گسیختگی هویت اجتماعی روی می‌دهند. کسی که به نام خشونت و آنارشی افراد جامعه را به بلا تکلیفی در مورد آنچه درست و یا نادرست است دعوت می‌کند باعث سردرگمی در مورد مفاهیمی چون فرهنگ، زبان، اخلاق و خانواده می‌شود بنابراین آنها فضایی را خلق می‌کنند که در آن ادعاها و

1 -socio-cultural reason

2 -anarchy

ایدئولوژی‌های خود را تحمیل نمایند.

در چنین اتمسفری جامعه منفعل، بی تفاوت و خنثی می‌شود که در روانشناسی به آن "ترس مصنوعی"^۱ می‌گویند. از طریق ایجاد شوکی مصنوعی بروی مردم از طریق شعارهای متوالی، اهداف آنها تغییر می‌یابد و تفاوت میان گروه‌های متنوع مردم جهت تبدیل به شکاف‌های بزرگ افزایش می‌یابد. جامعه در وضعیت هرج و مرج ممکن است عقاید جدیدی را قبول کند که یک زمانی در وضعیت انفعالی آنها را رد کرده است.

افراد تروریست به نام خشونت از همه انواع انحرافات تغذیه می‌شوند. اختلافات و مشکلات اجتماعی که در جامعه روی می‌دهند به عنوان تابعی از تغییرات سریع در هنجارها و جریان‌ات اجتماعی می‌باشند. فردی که در ضدیت با محیط جدید اجتماعی خود احساس تنهایی می‌کند به خاطر بعضی دلایل مانند کمبود شأن اجتماعی، احساس حقارت و خودکم‌بینی منتظر پیوستن به فعالیت‌های تروریستی می‌باشد و این مسأله به درونگرایی و حمایت از خشونت و همچنین وادار کردن مردم به پذیرش این افکار به جای توضیح آنها منجر می‌شود.

نقش خانواده در زندگی فرزندی یکی از مهمترین فاکتورهای اجتماعی شدن او است. اما در مواردی که خانواده قادر به عهده‌دار شدن این نقش نیست مقدمه برای رشد شخصیت‌هایی فراهم می‌شود که از خشونت یا ترور حمایت می‌کنند. شکاف‌هایی که بوسیله خانواده در شخصیت جوانان ایجاد می‌شود شدیداً با عقاید آموزش داده شده در بعضی مدارس و خوابگاه‌های چند نفری کامل شده و در نهایت تشکلات سیاسی در پی خلق «انسان‌های برنامه‌ریزی شده»^۲ این افراد را جذب می‌نمایند.

به عبارتی دیگر، برای افرادی که به خوبی اجتماعی شده‌اند و از سلامت روانی برخوردارند کشتن گروه‌هایی از مردم شامل زنان و بچه‌های بی‌گناه که آنها را نمی‌شناسند نباید امری آسان باشد. گروه‌های تروریستی همیشه گروه‌هایی از مردم را تحقیر می‌کنند و ادعا می‌نمایند مردم باید توسط آنها آموزش داده شده و جهت‌دار شوند ولی عدم امکان رسیدن به چنین عقایدی آنها را به سوی انجام فعالیت‌های خشونت آمیز سوق می‌دهد. دیدگاه گروه‌های تروریستی آنها را وادار به نوعی بی‌اعتمادی روزمره می‌کند به طوری که آنها را بیشتر به سوی کاربرد خشونت سوق می‌دهد.

1 -hypnosis of fear

2 -programmed people

تغییرات اجتماعی شامل همه نوع تغییرات در جامعه مانند تغییر در تشکلات و سازمانها می‌باشد. تقسیمات اجتماعی انحراف جامعه را از ساختار فرهنگی ویژه خود به حداکثر می‌رساند. جوامع همیشه در حال تغییر هستند. اگر تغییرات در جامعه بانی تشکلاتی باشند که قادر به انجام فعالیت‌های خود نباشد باعث خلل و نقص در سیستم می‌شوند.

اختلاف نقش‌های سیاسی و تغییر نگرش‌ها به عنوان دینامیسم^۱ و نیروی محرکه جامعه قلمداد می‌شوند. ولی اگر تشکلات با شخصیت جامعه یکسان انگاشته شوند و تفاوت‌ها در عوض جانشینی از بین بروند، جریانات فرهنگی - اجتماعی و کارکردی^۲ نیز از دست می‌روند که این وضعیت به تقسیم یا انشقاق^۳ می‌انجامد نه تغییر. زیرا در حالت تقسیم، کاراکترهای ملی و اجتماعی که عامل بقای جامعه هستند نابود خواهند شد.

علاوه بر این، در حال حاضر در جریان مدنی شدن^۴ یک تغییر سریع در سبک زندگی و فرهنگ جامعه وجود دارد. شهر تنها منبع خشونت نیست. با وجود این فرصت‌های نابرابر و اختلاف سطح درآمد زندگی بین نواحی شهری و روستایی و وجود چنین تمایزاتی در داخل شهرها، تمایل به فعالیت‌های خشونت‌آمیز را تغذیه کرده است.

عموماً تروریست‌ها فعالیت‌های خود را در نواحی ای که به خوبی می‌شناسند عملی می‌نمایند. این مناطق برای حملات، گریز، اختفای خود و تهیه تجهیزات لازم است. به همین خاطر طبیعی است افرادی که تمام زندگی خود را در شهرها به سر برده‌اند برای انجام عملیاتشان مکان‌های شهری را ترجیح دهند.

شهرها به خاطر این که بیشتر تغییرات اجتماعی و تفاوت‌های سیاسی در آنها به چشم می‌خورد آماج حملات تروریستی می‌باشند. شخصی که احساس می‌کند نسبت به جهان و طبقه‌ای که او در آن زندگی می‌کند تبعیض وجود دارد می‌تواند افراد همانند خود را در محیط‌های شهری پیدا کند. افرادی که از جوامع سنتی خود به شهرهای بزرگ و یا از نواحی روستایی و شهرهای کوچک به کشورهای خارجی مهاجرت می‌کنند، مجبورند با بعضی از فرایندهای اجتماعی مانند

1 -dynamism
2 -functional
3 -division
4 -urbanization

کشمکش‌ها و تفاوت‌های فرهنگی و تکوین خرده فرهنگها^۱ زندگی کنند. الگوهای رفتاری، اصول، قواعد، اجبارهای محیطی جدید افراد مهاجر را وادار به از دست دادن تأثیر چنین فاکتورهایی که از جامعه قبلی در او نمود یافته است، خواهد کرد.

با این وجود، انواع فاکتورهای واقعی در جامعه جدید نمی‌توانند نسبت به همه افراد تازه وارد تأثیرگذار باشند. به این دلیل که مسائل و انتظارات مرسوم، مردم را وادار به تجمع و اتحاد^۲ در جامعه رو به زوالشان خواهد کرد.

در مدت سازگار شدن^۳ با جامعه جدید برخوردارهای فرهنگی^۴ مردم را وادار به احساس بلا تکلیفی می‌نماید. به منظور برون رفت از این وضعیت مردم با دیگر گروه‌ها تماس پیدا می‌کنند. گذشته از این، خلأ ناشی از نبود مؤسساتی مانند شهرداری‌ها و همچنین وجود نواحی حاشیه‌نشین در حومه شهرهای بزرگ نخست یک فقدان اقتدار را به وجود می‌آورد.

وقتی این‌ها به دیگر مشکلات موجود شهرها اضافه می‌شود باعث بوجود آمدن پایگاه‌های بالقوه برای ترور و آناارشی خواهد شد که مخالفان در مقابل رژیم‌ها آن را به کار می‌برند. کارشناسان تروریسم بر فرصت‌هایی که مراکز شهرها برای سازمان‌های تروریستی از قبیل قابلیت تحرک، عمل، ارتباط، اختفا، وجود هدف‌های متعدد، زندگی جمعی و وجود نیروی انسانی فراهم می‌نمایند، تاکید می‌کنند.

نبود امنیت اقتصادی و اجتماعی ممکن است باعث ویا دلیل بعضی از رویدادها باشند. چرا که نبود این نوع امنیت مردم را به نافرمانی رهنمون می‌کند. هدف رفتارها و فعالیت‌های متخاصم گونه مردم به نام ترور از آنچه که آنها ادعا می‌کنند متفاوت است. بنابراین، اگر چه گروهی مجری این فعالیت‌ها هستند و گروهی دیگر که در فعالیتها شرکت می‌کنند به نظر می‌رسد در صدد انجام یک عمل مشترک باشند اما آنها در اهداف متمایز هستند. در حالیکه در گروهی فردیت وجه غالب است و در گروه دیگر جمع‌گرایی اصل است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

- 1 -formation of subculture
- 2 -unite
- 3 -adaption
- 4 -cultural conflict

۳) مراحل ترور^۱

الف) مرحله آمادگی^۲

نخستین مرحله که آمادگی نام دارد شامل طرح "عملیاتی" است که قرار است انجام شود. به این منظور، مهمترین کاری که باید انجام شود تحلیل و آنالیز جامعه‌ای است که باید در کل جزئیات آن تخریب صورت گیرد. اهمیت آن هم به خاطر این است که نقاط قوت و ضعف آن جامعه مشخص گردد. هدف واقعی از این مرحله مشخص نمودن تشکلات و هم‌قطاران است. به عبارتی دیگر، بنیاد نهادن یک پایگاه هدف اصلی است. تعریف این طرح از طرف دولت به عنوان طرحی غیر قانونی ممکن نیست. نخستین تقاضاها بی‌ضرر و تبلیغات آنها منطقی به نظر می‌رسد. بیان بعضی نقصها در سیستم و درخواستهای ناصواب بعدی باعث می‌شود جامعه عادت به نوعی منفی نگری کند که این به تدریج باعث افزایش دز (مقدار)^۳ فعالیت‌های ممکن می‌شود. برای شروع فعالیت‌های ساده گروهی از همقطاران تشکیل می‌شود.

ب) مرحله سازماندهی^۴

در این مرحله کار سازماندهی شروع می‌شود. افراد برجسته از میان گروه هم‌قطاران با دیگر افراد که آنها را حمایت می‌کنند نیاز به گردهمایی دارند، که بعضی نیروهای مخصوص این افراد را گرد هم می‌آورد.

بعد از این، آنها آموزش‌های لازم را می‌بینند و از طریق نیروهایی که زیر کنترل آنها کار می‌کنند با یکدیگر در ارتباط قرار می‌گیرند. آموزش‌های داده شده برای پرورش نیروهایی است که هر وظیفه‌ای که به آنها محول شود انجام دهند. در طرف دیگر سازمان‌هایی تشکیل و آموزش می‌بینند تا با موسسات و سازمان‌های قانونی و غیرقانونی در ارتباط باشند. بنابراین، پایگاهی برای شروع فعالیت‌های قانونی و نظامی یا غیر نظامی در تشریک مساعی ۵ سازمان‌ها تشکیل می‌شود.

نشست‌های مخفی، بایکوت، نصب اعلامیه‌ها، ابلاغیه‌های محرمانه، فعالیت‌ها محفلی و فعالیت‌های نظامی در مقیاس‌های کوچک از خصوصیات این مرحله می‌باشد.

-
- 1 -stages of terror
 - 2 -preparation stage
 - 3 -dosage
 - 4 -organization stage
 - 5 -co-operation

ج) مرحله انجام عملیات^۱

هدف از این مرحله ترساندن جامعه، تضعیف نیروهای دولتی، تخریب وفاداری جامعه - دولت^۲ و غلبه بر نیروهای دولتی بوسیله تشویق فعالیت‌های نظامی در مناطق شهری و روستایی با حمایت تشکلات قانونی و سازمانهای آموزش دیده می‌باشد.

بی‌کفایتی نیروهای دولت در این مرحله مورد تأکید است و بی‌اعتمادی مردم نسبت به دولت باعث تضعیف روحیه آنها می‌شود. فعالیت‌های تروریستی مانند تهدید نظامی و بمب‌گذاری، قتل افراد مورد احترام و مشهور، تبهکاران، دزدان مسلح و انجام عملیات در مناطق مسکونی از خصوصیات این مرحله می‌باشد.

د) مرحله جنگ مدنی^۳

هدف از این مرحله استیلا بر دولت است. و این آخرین مرحله‌ای است که سبب فرو ریختن دولت از درون می‌شود. برای این هدف نواحی مختلف مکانهای مسکونی و حتی شهرهای بزرگ به منظور ساختن پایگاه مور تجاوز قرار می‌گیرند و زد و خورد با نیروهای دولتی روی می‌دهد. سازمان‌های غیرقانونی نیروهای سیستماتیک و آموزش دیده‌ای را در دسته‌ها و گروه‌های مختلفی جهت شرکت در جنگ تشکیل می‌دهند. در همان حال با پول و تجهیزات، تسلیحات، کارمندان و کمک فنی نیروهای خارجی یک جنگ مدنی به طور کامل با هدف تخریب دولت شروع می‌شود.

۴) سیستمهای آموزشی^۴

دوران جوانی دورانی است که جوان نیازمند به یادگیری و داشتن دانایی است، دقیقاً مانند خاکی که بعد از روزهای گرم تابستان احتیاج به باران دارد. نوع باران اهمیت بسیاری دارد. داشتن خاک حاصلخیز تر منوط به نوع باران مناسبتر است، اما اگر باران به صورت سیلاب، تگرگ و رگبار باشد لایه حاصلخیز خاک را شستشو می‌دهد.

در واقع عمر بعضی سیستمهای آموزشی بسرآمده است چرا که در برآوردن نیازهای جامعه کفایت لازم را دربر ندارند. در چنین سیستمهایی به زحمت می‌توان افراد خلاق و محقق تربیت

1 - operation stage

2 - loyalty of society and government

3 - civil war stage

4 - the system of education

نمود. افراد زیادی هستند که از مراکز علمی فارغ التحصیل شده اند که حتی یکبار هم به آزمایشگاه نرفته‌اند.

هدف اصلی این سیستم‌های آموزشی، آموزش افراد به صورت طوطی وار^۱ و حفظ نمودن مطالب می‌باشد که دانش آموزان را فقط وادار به حافظه سپردن مطالب می‌کند بدون اینکه به فکر آنها جهت داده شود. آموزش توان تغییر افکار جامعه را دارد به طوری که مردم را منطقی‌تر و با کفایت‌تر می‌کند و آنها را به طور کامل از حرص و طمع رها می‌کند.

طبق نظر یکی از روانشناسان مشهور به نام گوستاو لوبون^۲، که با آموزش به صورت حفظ و تکرار مخالف است: «دانایی عمل ایجاد و فهم بین رابطه علت و معلول است». در سیستم آموزشی بعضی کشورها مردم را در حد خدمه‌های مدنی «میزها» تربیت می‌کنند. آنها متفاوت از افراد فعال، خلاق و مولد فقط بر روی میزها می‌نشینند. در نتیجه، اشخاص تربیت شده برای رهبری بالاترین مناصب دولتی از درک جنبه‌های اجتماعی مدیریت و مشکلاتی که در جامعه روی می‌دهند عاجز هستند.

از این رو، باسواد بیکار و ناراضی همراه افرادی که از آموزش عالی محروم شده‌اند یک قدرت حقیقی را تشکیل می‌دهند. این افراد به دنبال «فرمول‌های سحر آمیز»^۳ جهت تعویض سیستم و قانون می‌باشند. گوستاولوبون توضیح می‌دهد که «به منظور فهم کیفیت عقاید و باورهایی که امروز کشت و فردا برداشت می‌شوند، نخست باید زمین به خوبی آزمایش شود. فرصت‌های آموزشی داده شده به جوانان به آسانی اعتقادات بنیادینی در مورد آنچه باید رفتار آنها در قبال کشور باشد، القاء می‌کند».

صلح در جوامع کاملاً به آموزش‌های معین و مثبتی که اعضای آن جامعه دریافت می‌دارند، بستگی دارد. آموزش بهتر، در حد کافی و مثبت تر است که موجب می‌شود جامعه افرادی به مراتب مفیدتر داشته باشد. نقش و وظیفه خانوادها، مدارس، موسسات و رسانه‌ها است که افراد را ملزم به داشتن شخصیتی شایسته کرده، تا آنها را به سمت سرویس‌دهی به جامعه هدایت کنند. نقش دولت نیز ممکن ساختن این آموزش‌ها و در همان حال نظارت و کنترل بر آنها می‌باشد.

1 -parrot fashion

2 -Gustave Le Bon

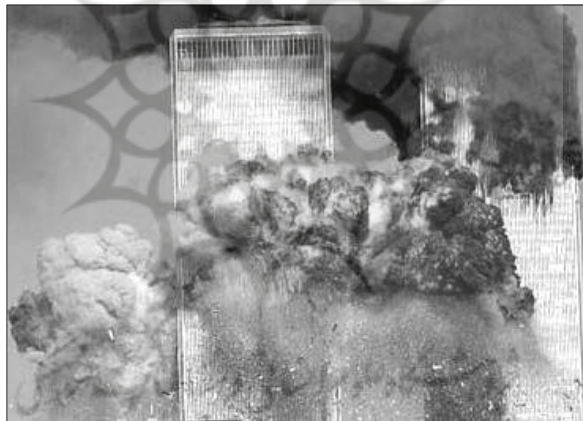
3 -magic formulas

در مجموع می توان گفت که سیستمهای آموزشی باید برنامه‌ای نظام‌مند و قابل اجرا جهت آماده کردن افراد جامعه برای زندگی داشته باشند و خروجی‌های آنها باید دارای شخصیت‌های متعادل، منعطف و چند بعدی باشد. شاید مهمترین رسالت این سیستمها ایجاد دیدگاهی علمی در افراد جامعه باشد تا آنها بتوانند زندگی را از نگاه خود ببینند و به تجزیه و تحلیل رویدادهای آن پردازند نه آن طور که دیگران توصیف کنند. در صورت داشتن چنین دیدی است که افراد می‌توانند به صورت مستقل به تفکر و تأمل پردازند که این خود به مراتب باعث سازگاری منطقی در شرایط و موقعیتهای مختلف می‌شود و در همان حال این افراد در صورت پذیرش دیدگاههای متفاوت هیچوقت استقلال خود را از دست نمی‌دهند و حتی سعی در آشناکردن دیگران با عقاید و دیدگاه خود را دارند، به عبارت دیگر تعامل را به صورت دو طرفه ایجاد می‌نمایند.

آموزشهای مناسب باید افراد را دارای نوعی استراتژی نماید تا آنها در ارتباطات خود در محیطهای جدید به دیگران اجازه ندهند به عنوان ابزار یا عاملی جهت دستیابی به اهداف آنها [دیگران] مورد سوءاستفاده واقع شوند. نکته حائز اهمیت این است که هر فرد یا جامعه‌ای از ابزارها و امکاناتی جهت شناخت محیط پیرامون خود و تعامل با آن استفاده می‌کند که بسته به نوع این ابزارها کنش و واکنش خود را مشخص می‌کند. حال اگر جامعه‌ای بتواند شرایط و امکاناتی را برای افراد خود فراهم کند تا علم و دانایی را ابزار خود جهت شناخت و تعامل با پیرامون قرار دهند به مراتب بیشتر می‌توان حاکمیت ارتباطات و تعاملاتی سازنده‌تر که متضمن رعایت حقوق متقابل باشند را انتظار کشید. (مترجم).

www.terrorism.net :

منبع



پرتال جامع علوم انسانی